

بررسی و معرفی مسجد روستای ترجان سقز

اسماعیل سلیمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه تهران

salimi.esmaeil@yahoo.com

جمیله صلح جو

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه هنر اصفهان

(تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۰ تاریخ چاپ: ۱۳۹۷/۶/۲۴)

چکیده:

گردستان ایران، از مناطقی است که از لحاظ مطالعه و نوع معماری، به خصوص در دوره اسلامی به شدت ناشناخته مانده است. شناخت مساجد گردستان می‌تواند درک وسیع‌تری از وضعیت معماری ایران در این منطقه به دست بدهد. هدف نوشتار حاضر بررسی و معرفی مسجد تاریخی روستای ترجان در شهرستان سقز است. منابع مکتوب نشان می‌دهد که این بنا به وسیله «نورالنسا» همسر محمدامین بیگ مالک روستای ترجان در سال ۱۲۵۸ ه. ق. در دوره قاجاریه بنا گردیده است. به علاوه مدارک تاریخی مؤید آن است که به سبب توجه نورالنسا، مسجد ترجان اهمیت قابل توجهی یافت و رسماً به عنوان مهمترین دارالعم روزگار خود بدل گردید، تا جای که اشتیاق طلبه‌ها و روحانیون زیادی را از سراسر منطقه اطراف و حتی خارج از ایران برای تحصیل در این مدرسه جلب کرد. در نوشتار حاضر تلاش بر آن است تا دلیل اهمیت و جایگاه مسجد ترجان به عنوان مهمترین دارالعلم منطقه مکریان مورد بررسی قرار گیرد. فرض بر آن است که وقف کردن روستاهای قافلاوه، شیلاناوا و قازلیان به وسیله نورالنسا و اداره ترجان توسط محمدامین بیگ و انتخاب آن به عنوان مرکز بخشی از ساوجبلاغ در عصر قاجاریه به اهمیت سیاسی و علمی ترجان دو چندان افزود. در نتیجه پژوهش حاضر، که با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و میدانی به انجام رسید، مشخص گردید که انجام اصلاحات اراضی عصر پهلوی با هدف قرار دادن وقفیات مسجد ترجان و ایجاد مدارس و دانشگاه‌های به سبک جدید، به تدریج از اهمیت و اعتبار مراکز آموزشی مانند ترجان به مرور زمان کاست.

واژگان کلیدی: ترجان، مسجد، نورالنسا، محمدامین بیگ.

مقدمه:

در جامعه‌های کهن، نهادها و تأسیسات اداری، مذهبی و بازرگانی از مهمترین عوامل شکل دهنده فضاهای آموزشی بودند. به همین جهت مراکز آموزشی اغلب در کنار تأسیسات اداری و مراکز مذهبی و بازرگانی شکل می‌گرفتند. براساس منابع موجود، نخستین فضای آموزشی متعلق به اواسط هزاره دوم پیش از میلاد و در شهر عیلامی، شوش کشف شده است (کیانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸). متأسفانه به دلیل عدم مطالعات منسجم باستان‌شناسی از مراکز آموزشی منطقه مورد مطالعه تا عصر صفویه اطلاعات چندانی نداریم. از سوی دیگر قاجاریان نتوانستند، همانند صفویان به حکومت خود جنبه‌ای مذهبی بدهند، در نتیجه مدارس دینی از رونقی که در دوره صفویه داشت، برخوردار نبود. اما تأسیس مدرسه‌های به سبک جدید، انتشار نشریه و برخی دیگر از اقدامات فرهنگی، آثار قابل ملاحظه‌ای در این دوره به جای گذاشت (همان، ص ۱۳۲). در عصر قاجاریه در اکثر نقاط گوردستان مساجد، خانقاه‌ها و مدارس جهت تعلیم و تحصیل طلبه‌ها و مریدان شیخ وجود داشت. یکی از این مراکز آموزشی مسجد-مدرسه ترجان بود که با مدرسانی مانند، مولانا علامه قزلجی و تربیت طلبه‌ها و دادن اجازه به آنها نقش مهمی در تعلیم و تربیت مردم نواحی مختلف گوردستان و حتی خارج از ایران در دوره مزبور داشت. نحوه نظام آموزشی در مدرسه ترجان بدین صورت بود، که در آن مولانا یا مدرس می‌نشست و طلبه‌ها به دور ایشان حلقه می‌زدند و در آن از

علوم عقلی، نقلی، ریاضی و طبیعی گرفته تا شعر و ادب، لطایف و بدیه‌گویی مورد مذاکره و مباحثه قرار می‌گرفت و نورالنسا برای نظم اداری مدرسه موقوفاتی برای آن تعیین کرد. هر فضای معماری و به خصوص فضای مسجد، باید در برابر خصوصیات جغرافیایی و اقلیمی بتواند شرایط مساعد برای پاسنگویی به نیازهای مردم فراهم آورد. در مجموع معماری مسجد ترجان نیز تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله؛ جغرافیایی و اقلیمی، مصالح و فن ساختمان، کارکردها و عناصر ویژه، سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی شکل گرفته است. بدین ترتیب، که به دلیل واقع شدن ترجان در منطقه کوهستانی، مسجد آن با سقف مسطح، بدون حیاط مرکزی و ایوان ستون‌دار در ضلع جنوبی برای گرفتن نور خورشید در طول فصل زمستان و مصالح و مواد بومی بنا گردیده است.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه:

ترجان روستایی است، در استان گوردستان، در بخش مرکزی و در دهستانی به همین نام در ۵۴ کیلومتری شهر سقز و ۳۰ کیلومتری شهر بوکان با مختصات $36^{\circ}.19'.14.54''$ عرض و $46^{\circ}.0'.48.01''$ طول جغرافیایی در ارتفاع ۱۶۱۱ متری از سطح دریا واقع شده است (نقشه ۱). به بیان دیگر ترجان از شمال به روستاهای قازانتا و شیلاناوی، از جنوب به بوبوکتان، از شرق به اینچکه و از غرب به ههمیله محدود است. ترجان در حدود ۱۷۰ خانوار و ۸۰۰ نفر جمعیت دارد. مردم ترجان گورد زبان و سنی مذهب (شافعی)

هستند و معیشتی مبتنی بر کشاورزی، دامپروری، باغداری و زنبورداری دارند.

پیشینه پژوهشی:

متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه مطالعه منسجم و جامعی در مورد مسجد ترجان و محوطه‌ای باستانی آن معروف به «قه‌لای^۱ ترجان» به انجام نرسیده است. علیخان والی حکمران مکریان^۲ و ساوجبلاغ (مهاباد فعلی)^۳ در عصر قاجاریه نخستین شخصی است، که از روستای ترجان تصویری تهیه کرده، که جهت مطالعه مسجد، عمارت^۴ مالک روستا و محوطه‌ای باستانی آن بسیار درخور توجه است (تصویر ۱)، (www. Harvard. Edu).

مینورسکی نوشته است که: «تورجان با ۳۸ روستا دیگر، یکی از بخش‌های گُردستان مَکری به مرکزیت ساوجبلاغ است و ترجان نامی است ایرانی که تمام ساکنان آن گُرداند اما ریشه آن با ترکی ادغام شده است» (مینورسکی، ۲۰۰۷، ص ۱۰۱؛ مینورسکی، ۲۰۰۶، ص ۵۳). رزم آرا در دوره پهلوی نوشته که: «تورجان دهی از دهستان تورجان، بخش بوکان شهرستان مهاباد که در ۳۳ کیلومتری جنوب غرب بوکان و ۲۰ کیلومتری غرب جاده شوسه بوکان به سقز واقع شده است. این روستا در منطقه کوهستانی با آب و هوایی معتدل و مالاریائی قرار گرفته است، در حدود ۶۳۲ نفر که سنی مذهب و گُرد زبان‌اند، جمعیت دارد. آب آن از رودخانه سیمینه‌رود تأمین می‌شود و دارای محصولاتی مانند؛ غلات، حبوبات و توتون است و به زراعت و گلهداری می‌پردازند، صنایع

دستی آن جاجیم‌بافی، راه مال‌رو دارد و دارای یک دبستان است» (رزم آرا، ۱۳۳۰، ص ۱۳۸). ابراهیم افخمی در دوره پهلوی «ترجان را به همراه بهی، آختاچی، گورک مَکری، شهرویران، ایل‌تیمور، منگور و لاهیجان از دهستان‌های مهاباد ذکر کرده است» (افخمی، ۱۳۷۳، ص ۶). بنای مسجد ترجان در سال ۱۳۸۱ ش. و با شماره ۶۸۹۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید (آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان، ۱۳۸۱). از بارزترین مطالعات علمی درباره مسجد ترجان می‌توان به مقاله‌های «گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی گُردستان ایران» (خادم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴-۱۰۳)، «باز نمود معماری ایرانی - اسلامی در مساجد دوره قاجار شهر سقز (مطالعه موردی مساجد دومنار، شیخ مظفر و مسجد ترجان» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۳-۱)، «بررسی محتوا و تزئینات کتیبه حمام خان سنندج و مسجد روستای ترجان» (احمدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۲-۱) و «دارالعلم ترجان» (ترجانی-زاده، ۱۳۳۵، ص ۵۳-۲۹) اشاره کرد، که در هر چهار منابع مزبور، به صورت بسیار مختصر و گذرا به مسجد ترجان پرداخته شده است.

شواهد باستان‌شناسی:

روستای ترجان به دلیل نزدیکی به رودخانه سیمینه‌رود، واقع شدن در منطقه کوهستانی با طبیعت بکر و چشمه‌سارهای متعدد و نقش آن به عنوان پل ارتباطی، بین گُردستان مکریان، اردلان، سرشیو و افشار (حسن‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۷۲) از

آهن، تاریخی و اسلامی می‌رساند (تصویر ۴). از دیگر شواهد باستان‌شناسی که نشان از جایگاه مهم ترجان دارد، می‌توان به قبرستان عصر قاجاریه با سنگ قبرهای کتیبه‌ای و حمام و آسیاب آن در سده‌های اخیر اشاره کرد که متأسفانه اکنون اثری از آن‌ها باقی‌نمانده است.

مسجد ترجان:

مسجد ترجان از بارزترین بناهای به جای مانده از عصر قاجاریه است. که با توجه به آن می‌توان سبک معماری بومی گُردستان و این بخش از ایران را به خوبی درک کرد. مسجد ترجان با جهت شمالی - جنوبی در داخل روستای به همین نام واقع شده است. فضای اصلی مسجد ترجان با ابعاد $20/80 \times 17/50$ متر و در مجموع با مساحت 2000 مترمربع بر روی مصطبه سنگ چین به ارتفاع $2/10$ سانتی‌متر بنا شده و از این لحاظ قابل مقایسه با مسجد سویناس مهاباد است (ج ۲، ر ۱). مسجد در ضلع جنوبی دارای ایوان ستون‌داری با سه ستون چوبی به ارتفاع $3/45$ سانتی‌متر، قطر 73 تا 83 سانتی‌متر و سرستون‌های تزئینی چوبی به اندازه $18/33$ سانتی‌متر به شکل ایونی و پایه ستون‌های از جنس سنگ آهک است. به طور کلی ایوان ستون‌دار $4/37$ سانتی‌متر طول و $1/20$ عرض و فاصله ستون‌ها از همدیگر و دیوار ایوان از 2 متر تا $2/55$ سانتی‌متر متفاوت است. در مجموع فاصله بین فضای داخلی و ایوان $1/80$ سانتی‌متر است. سقف ایوان مسطح و دیوارهای آن که در ابتدا دارای پوشش کاهگل بوده با گچ اندود کرده‌اند. بر

دوره پیش از تاریخ تاکنون در مطالعات باستان‌شناسی ایران دارای جایگاه ممتازی بوده است. در داخل روستای کنونی ترجان محوطه‌ای باستانی تحت عنوان «قه‌لا» یا «قلعه ترجان» وجود دارد. این محوطه 68 متر طول، 53 متر عرض و در حدود 12 متر از سطح زمین‌های اطراف ارتفاع دارد (تصویر ۲). به طور کلی محوطه‌ای ترجان از سه طرف توسط زمین‌های کشاورزی و خانه‌های مسکونی محصور و از طرف ضلع غربی با ایجاد جاده بریده شده است. در سمت شمال محوطه چشمه‌ای موسوم به «قونگره» وجود دارد که به احتمال زیاد در شکل‌گیری یکجانشینی در این روستا از دوره مس‌سنگی تا عصر حاضر نقش کلیدی داشته است (تصویر ۳).

پوشش گیاهی بر روی سطح محوطه نسبتاً غنی و منطقه از آب و هوای بسیار خوبی برخوردار است. محوطه در چند نقطه مورد کاوش غیر مجاز قرار گرفته و همچنین تعدادی از خانه‌های مسکونی در ضلع جنوبی و شرقی بر روی آن احداث شده‌اند. اهالی روستا معتقدند در دوره قاجاریه محمدامین بیگ معروف به قوج‌بگ^۵ از نوادگان بوداق سلطان مؤسس شهر مهاباد (ساوجبلاغ سابق)^۶ مالک روستای ترجان در آن زمان به مردم ترجان و روستاهای اطراف دستور داده تا گونی‌های خاک را به این محل حمل و آن را روی هم قرار بدهند تا عمارت خود را بر روی آن احداث کند (ر. ک. تصویر ۱). اما بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارنده مسؤل و آقای فاتح زارع‌فر سابقه سکونت در این محوطه را به دوره‌های مس‌سنگی، مفرغ،

بالای سرستون‌ها چوب‌های قطوری گذاشته‌اند تا وزن سقف ایوان که به صورت مسطح است، تحمل کند. به علاوه، چوب‌های چنار را به صورت منظم کنار هم قرار داده و به وسیله تخته‌های چوبی پوشانده‌اند. ضلع جنوبی مسجد روبه ایوان دارای پنج پنجره به سمت حیاط است تا روشنایی داخل مسجد و راه منتهی به ایوان را میسر کنند. کف ایوان ستون‌دار در حدود ۲/۱۰ سانتی‌متر از سطح زمین که با سنگ‌های آهکی بنا شده است، ارتفاع دارد. در آخرین نقطه ایوان ستون‌دار و بالای چوب‌های سقف، یک ردیف آجر عمودی کار گذاشته شده‌اند (ج ۱، ر ۲).

ورودی اصلی بنا در گذشته از سمت شمال و دارای درب چوبی بوده است، اما در حال حاضر با بلوک سیمانی مسدود شده است. این ورودی دارای طاق‌های رومی با تزئینات منحصر به فرد آجرکاری خفته راسته به ارتفاع ۲/۹۰ سانتی‌متر و عرض ۲/۹۳ سانتی‌متر است. در زیر تزئینات آجرکاری خفته راسته طاق مزبور، چوبی تزئینی به صورت آجر به طول ۲/۰۳ سانتی‌متر و عرض ۲۳ سانتی‌متر گذاشته‌اند. در دو سمت این ورودی دو نیمه ستون آجری یا جرز از دیوار بیرون آمده‌اند، که یکی از آنها در حدود ۳/۳۰ سانتی‌متر ارتفاع و ۶۴ سانتی‌متر عرض و دیگری ۲/۴۲ سانتی‌متر ارتفاع و ۶۳ سانتی‌متر عرض دارد. جرزهای یاد شده در مرکز دارای دو حفره کوچک که احتمالاً در گذشته کاربرد روشنایی داشته‌اند و در بالا دارای چهار ردیف تزئینات آجرکاری هستند (ج ۱، ر ۴).

همانگونه که گفته شد ورودی اصلی مسجد از سمت شمال بوده است، اما اکنون مسدود شده و راه منتهی به داخل مسجد از سمت غرب که بر بالای آن کتیبه‌ای^۷ سنگی مخروطی از جنس آهک قرار گرفته است، میسر می‌شود (تصویر ۵). کتیبه‌ای یاد شده به عنوان بارزترین یافته‌ای این بنا در حدود ۱ متر طول و ۳۰ سانتی‌متر عرض دارد. از محتوای کتیبه این چنین بر می‌آید که: «مسجد ترجان با هزینه شخصی نورالنساء همسر محمدامین بیگ مشهور به قوچ‌بگ در سال ۱۲۵۸ ه. ق. با حجاری علی‌رضا و در عصر قاجاریه و همزمان با حکومت محمدشاه احداث شده است. در دو سمت کتیبه مزبور تزئینات آجرکاری که از چهار آجر تشکیل شده‌اند، قرار داده‌اند و بر بالای درب ورودی همانند درب ورودی اصلی چوب قطوری به شکل آجر تزئینی تعبیه کرده‌اند و بر روی چوب یاد شده ردیفی از آجرها به شکل دندان موشی گذاشته‌اند (ج ۱، ر ۶).

ورود به داخل مسجد از ضلع شمال‌غربی با ارتفاع ۱/۷۶ سانتی‌متر و عرض ۶۵ سانتی‌متر میسر می‌شود (ج ۱، ر ۳). شبستان مسجد دارای شش ستون در دو ردیف سه‌تایی است. ستون‌ها با میانگین ۳/۳۰ سانتی‌متر ارتفاع و ۱/۳۰ سانتی‌متر قطر دارند. ستون‌ها دارای سرستون‌های چوبی ایونی که بر روی آنها چوب‌های قطوری به صورت پخ قرار گرفته‌اند و بر روی چوب‌های قطور، تیرک‌های چوبی دیگری تعبیه و سرانجام روی تیرک‌های چوبی را با تخته پوشانده و در نهایت سقف را کاهگل کرده‌اند. چوب‌های فضای شبستان را

رنگ آمیزی کرده‌اند تا از پوسیدگی آنها جلوگیری به عمل آورند (ج ۱، ر ۱ و ۵). فضای شبستان در ضلع شرقی دارای سه پنجره به شکل مستطیل با ابعاد $۱/۹۴$ سانتی‌متر ارتفاع و $۱/۲۲$ سانتی‌متر عرض و سمت شمالی نیز دارای سه طاقچه با میانگین $۱/۲۷$ سانتی‌متر ارتفاع و ۹۷ سانتی‌متر عرض دارند. محراب در سمت جنوب به ارتفاع $۲/۵۱$ سانتی‌متر و عرض $۱/۱۰$ سانتی‌متر با طاقی جناغی قرار گرفته است. در سمت غربی محراب دو پنجره با طاق رومی با میانگین ارتفاع $۲/۲۰$ سانتی‌متر و عرض $۷۸/۵$ سانتی‌متر عرض و در ضلع شرقی محراب دو پنجره با میانگین ارتفاع $۱/۸۷$ سانتی‌متر و عرض $۱/۷۷$ عرض وجود دارند. به علاوه در هر دو سمت محراب و بر بالای پنجره‌ها طاقچه‌های به اندازه ۵۵×۱۰۹ و ۴۷×۹۴ سانتی‌متر وجود دارد. فضای شبستان در داخل ۱۳ متر طول و $۱۰/۱۷$ سانتی‌متر عرض و بلندی فضای شبستان از کف تا سقف آن ۴ متر است.

با توجه به تصاویر موجود عصر قاجاریه از روستای ترجان و گفته ماموستا عزیز قادری در سده‌های گذشته در ضلع غربی و شرقی مسجد حجره‌های زیادی وجود داشت که کنجایش ساکن شدن شصت تا یکصد طلبه در آن وجود داشت و آثار آن تا دهه هفتاد شمسی نیز باقی بود (ر. ک. تصویر ۱). متأسفانه در حال حاضر فقط یک حجره به صورت اتاقی کوچک چسپیده به ضلع غربی مسجد باقی مانده است. اتاق یاد شده دارای پنجره-ای به سمت جنوب است، که بر روی آن چوبی تعبیه کرده‌اند این قسمت با خشت بنا و با پوشش

کاهگل پوشانده شده است. در دو سمت این اتاق جزرهای به عرض ۹۷ سانتی‌متر در بین ایوان ستون‌دار و ضلع غربی اتاق بیرون آمده‌اند و در آخرین قسمت ردیفی از آجرها را به صورت عمودی گذاشته‌اند تا از برخورد ریزش‌های جوی به دیوار مسجد بکاهند (ج ۱، ر ۲). اتاق حجره $۴/۳۰$ سانتی‌متر طول و $۳/۳۳$ سانتی‌متر عرض دارد. در سمت شرق دارای دو طاقچه جهت گذاشتن کتاب طلبه‌ها با ارتفاع ۱۰۲ سانتی‌متر و عرض ۹۳ سانتی‌متر است. در ضلع جنوبی این اتاق و به سمت حیاط پنجره‌ای به ارتفاع $۱/۲۵$ سانتی‌متر و عرض $۱/۰۳$ سانتی‌متر وجود دارد که روشنایی داخل اتاق را تأمین می‌کند. بالای پنجره مزبور پنج ردیف چوب بر روی هم به عرض ۷۳ سانتی‌متر گذاشته‌اند تا سنگینی قسمت فوقانی را حمل کند. در ضلع غربی اتاق جا لباسی به ارتفاع $۱/۷۳$ سانتی‌متر و عرض $۱/۰۴$ سانتی‌متر وجود دارد. درب ورودی اصلی اتاق حجره از سمت شمال است که دارای عرض ۸۵ سانتی‌متر و ارتفاع $۱/۶۳$ سانتی‌متر است و برای ورود به داخل اتاق باید خود را خم کرد. بلندی اتاق از کف سیمانی تا سقف $۳/۴۷$ سانتی‌متر و داخل آن را با پوشش گچ اندود کرده‌اند. علاوه بر اتاق طلبه، ضلع غربی مسجد دارای فضاهای دیگری مانند؛ وضوخانه، حمام و دستشویی است. در بین حجره‌ها و مسجد فضای I مانند‌ی به طول $۵/۵۲$ و $۵/۲۴$ سانتی‌متر و عرض $۲/۷۰$ و $۲/۸۰$ سانتی‌متر وجود دارد. رسیدن به پشت بام مسجد از این قسمت و با ۱۳ پله امکان می‌یابد. سقف مسجد به صورت مسطح

نام دو چندان گردید. محمدامین بیگ در ابتدا اقدام به ایجاد خانه‌ای اربابی یا عمارت بر روی محوطه- ای باستانی ترجان می‌کند. با ایجاد عمارت یا در اصطلاح محلی قه‌لا (قلعه) توسط محمدامین بیگ، همسر ایشان نورالنسا معروف به خانمه چکوله (خانم کوچک)^۱ با هزینه‌ای شخصی خود بنا نهادن مسجد ترجان را در سال ۱۲۵۸ ه. ق. (همزمان با حکومت محمدشاه قاجار) پی‌ریزی می‌کند (نصیری انصاری، ۱۳۵۰، ص ۲۷۳). با توجه به سندی که در آرشیو شخصی آقای شیرکو عبدالله- پور از اهالیروستای ترجان نگه‌داری می‌شود. نورالنسا در اولین قدم، به تعیین وقف سه دانگ روستاهای قاقلاوا (فاقل‌آباد)، شیلاناوی (شیلان-آباد)، شش‌دانگ روستا قازلیان، آسیاب خاتوته، جهت هزینه و خرج مدرسان و طلبه‌ها می‌پردازد^۲ (تصویر ۶)، با احداث مسجد توسط نورالنسا، محمدامین بیگ، مولانا علی قزلیجی از مشهورترین روحانیون عصر قاجاریه در کردستان، که مورد توجه بسیاری از قبایل بود، جهت تدریس علوم دینی به روستای ترجان می‌آورد (شافعی، ۱۳۷۸، ص ۴۵۵) و مسجد ترجان به صورت دارل‌علمی در می‌آید که در آن علاوه بر طلبه‌های مناطق اطراف، طلبه‌های از کردستان عراق، داغستان^۱ و قفقاز و دیگر مناطق سنی‌نشین ایران از جمله طالش و حتی زنان در آن به فراگیری علوم عقلی، نقلی، ریاضی، فلکی، حدیث، طبیعی، شاهنامه فرودسی، مثنوی مولانا، خمسه نظامی، گلستان و بوستان سعدی می‌پرداختند و لطایف و بدیه‌گویی نیز در این مدرسه مورد مذاکره

و اکنون آن را با ایزوگام که در گذشته دارای پوشش کاهگلی بوده، پوشانده‌اند. در ضلع جنوبی و در مقابل ایوان ستون‌دار مسجد ترجان حوض و فواره‌ای جهت وضو گرفتن نمازگران وجود داشت (ج ۱، ر ۲). آب این حوض از کانی‌سپی (چشمه سفید)، از کوه‌های شرقی روستای ترجان با تنبوشه‌های سفالی تأمین می‌شد (ر. ک. تصویر ۳). آب چشمه مزبور در داخل روستا در میان فضاهای مسجد، قلعه و مکانی برای استفاده عموم مردم، تقسیم شده بود.

متأسفانه در دهه‌های گذشته دخل و تصرفاتیشامل؛ تعویض درب و پنجره‌های چوبی به جای آلومینیوم، برق‌کشی، لوله‌کشی آب و گاز، اندود قیروگونی و ایزوگام پشت‌بام و تعمیرات و مرمت- های بدون هیچگونه اصول علمی مانند اندود کاهگل پشت‌بام، اصلاح آبروها و گچکاری در بنا صورت گرفته است. بنای مسجد ترجان از گذشته- های دور محل تعلیم و تربیت طلبه‌ها و مکان برگزاری مراسم مذهبی مردم روستای ترجان با کاربری مذهبی بوده، و تحت تملک اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان سقز است (آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان، ۱۳۸۱).

• تحلیل و نتیجه‌گیری:

مسجد ترجان یکی از مهمترین مساجد بومی منطقه کردستان در عصر قاجاریه است که با توجه به آن می‌توان به سبک معماری بومی در دوره یاد شده پی برد. با اداره روستای ترجان توسط محمدامین بیگ اهمیت ترجان به عنوان مرکز بخشی به همین

براساس عوامل اقلیمی سرد و کوهستانی احداث شده است. بدین صورت، که در سمت جنوب مسجد ایوان ستون‌داری واقع شده که از ورود مستقیم ریزش‌های جوی در فصل بارندگی به داخل مسجد ممانعت به عمل می‌آورد. به علاوه، ایوان ستون‌دار هنگام آیامی با آب و هوای مطلوب، مکان مناسبی جهت تدریس و اقامه نماز است. از دیگر عوامل اقلیمی که در ساخت مسجد ترجان مد نظر واقع شده، سقف مسطح و عدم حیاط مرکزی است. به گونه‌ای که در مناطق کوهستانی بارش برف بر روی سقف مسطح به عنوان عایق حرارتی عمل می‌کند و وجود حیاط مرکزی در فصل زمستان و ریزش نزولات جوی در آن مشکلاتی برای نمازگران به وجود می‌آورد. در مناطق کوهستانی به دلیل سرمای شدید استفاده از فرم‌های باز مناسب نیست و لذا بهترین شکل برای پلان ساختمان، مربعی شکل، همانند مسجد ترجان است. بعلاوه در مسجد ترجان بازشوهای کوچک تعبیه شده، تا از خروج گرمای داخل فضای شبستان به بیرون جلوگیری شود. همچنین در احداث این بنا استفاده از مصالح بومی و محلی و متناسب با شرایط اقلیمی منطقه از جمله؛ سنگ، چوب، آجر، خشت، کاهگل، گچ و ساروج به کار رفته است که به علت کوهستانی و صعب‌العبور بودن راه‌های منطقه، استفاده از مواد و مصالح غیربومی مشکل بوده و هزینه‌های زیادی دربر داشته. به علاوه تأثیر مستقیم شرایط آب و هوایی منطقه، بر نوع مصالح مورد استفاده، باعث شد تا

و مباحثه قرار می‌گرفت (ترجانی‌زاده، ۱۳۳۵، ص ۵۰؛ افخمی، ۱۳۶۴، ص ۲۴۹-۲۴۵؛ شیخ‌السلام، ۱۹۷۴، ص ۸-۹؛ گفتگوی شخصی با عزیز قادری، ۱۳۹۷/۶/۲۲، شهر بوکان). با به اتمام رسیدن دروس در مدت هفت تا نه سال، مدرسین مدرسه از طلبه‌ها امتحان نهایی اخذ و با قبولی، به آنها مدرکی تحت عنوان «اجازه» داده می‌شد و طلبه‌ها با دریافت آن حق مدرسی و امامت در مدرسه‌های دینی روستاها و شهرهای دیگر کردستان داشتند و در واقع اخذ اجازه علمی از این دارل‌علم مانند گرفتن مدارک علمی از دانشگاه‌های معتبر کنونی بود (حسن‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۷۳). مولانا قزلجی علاوه بر تدریس و امامت نماز جماعت در مسجد ترجان آثار زیادی از جمله؛ «حواشی بر جمع‌الجوامع در اصول فقه، حواشی بر تحفه‌المحتاج در فقه، حاشیه بر تقریب‌المرام شرح تهذیب الکلام در اصول دین و حکمت، رساله‌ای در مقولات عشر، منظومه‌ای به نام محذوفات، منظومه‌ای در علم فرائض و منظومه‌ای در تجوید» به رشته تحریر درآورده است. ایشان سرانجام در سال ۱۲۹۵ ه. ق. دارفانی را وداع (روحانی، ۱۳۹۰، ص ۴۶۰) و در قبرستان ترجان به خاک سپرده شد. با فوت مولانا قزلجی، فرزند ایشان ملا محمد حسن ملقب به وجدی مدیریت مدرسه ترجان را بر عهده گرفت اما بعدها سردار محمد حسین خان ایشان را جهت امامت و تدریس به مسجد جامع قصبه بوکان - آوردند (افخمی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۵). مسجد ترجان در منطقه‌ای بنا شده، که دارای آب و هوای کوهستانی و معتدل است. در نتیجه این بنا

برای ساخت این اثر از نوع مصالح و مواد بوم‌آورد استفاده شود.

به طور کلی در شکل‌گیری معماری دوره قاجاریه دو عامل مهمی داخلی و خارجی نقش اساسی داشته‌اند. رفت و آمد هیئت‌های دولت به اروپا و سفر ناصرالدین شاه به فرنگ، از عواملی خارجی بود که در شکل‌گیری معماری دوره قاجار نقش اساسی داشت (کیانی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۷). بدین صورت که در طراحی و تزئینات نقاشی، شیشه‌های الوان در داخل طاق‌ها و یا درب‌های چوبی معروف به ارسی‌های منبت کاری، ستون‌سازی چهار لنگه یا سه لنگه (سه دری و چهار دری) به صورت ساده یا متحرک، قوس‌های تمام دور رومی، پنجره‌های تزئینی، حوضخانه‌ها، سرستون‌های ایونی و آتشدان‌های ساسانی از بارزترین تلفیق عناصر معماری و تزئینی به سبک ایرانی و اروپایی در عصر قاجاریه بود. در مسجد ترجان همانند مساجد سیدنظام، سویناس، کانی سیب، خانه میرزا رحمت شافعی و خانقاه‌های شیخ حسام‌الدین و شمزینان در مهاباد، مساجد دومنار، شیخ مظهر و عمارت اربابی روستا قلندر سقز با پلان مربع یا مستطیل شکل، سقف مسطح، ایوان ستون‌دار، نبود صحن یا حیاط مرکزی، استفاده از سنگ و آجر به عنوان بارزترین مصالح از عناصری هستند که در معماری آن قابل مشاهده است (سلیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۴) و در واقع مسجد ترجان نوعی سبک بومی مساجد عصر قاجاریه هم به لحاظ فرم پلان و تزئینات در منطقه مکریان ارائه می‌دهد (ج ۲، ر ۱-۴). در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که روستای ترجان به دلیل اقدامات ارزشمند محمدامین بیگ و همسر ایشان نورالنسا

در زمینه فعالیت‌های عمرانی از جمله؛ احداث قلعه یا عمارت، مسجد و حجره به عنوان بخش اداری مهمی از ساوجبلاغ عصر قاجاریه در منطقه مکریان اهمیت پیدا کرد و این جایگاه به عنوان مرکز دهستانی به همین نام تاکنون به قوت خود باقی است اما روستای ترجان به دلیل عدم واقع شدن در مسیر ارتباطی مهم همانند آنچه که روستای بوکان در یک سده اخیر از آن برخوردار بود، و در نهایت به شهرستان تبدیل شد. ترجان رشد و توسعه چندانی پیدا نکرد و در قالب همان روستا یا قریه باقی ماند. به علاوه، اصلاحات اراضی در دوره پهلوی و هدف قرار دادن وقفیات مسجد ترجان به مرور از اهمیت و اعتبار مدرسه آن کاست به گونه‌ای که تا دهه هفتاد شمسی فقط شش طلبه در مدرسه مزبور مشغول به تحصیل بودند. همچنین با توجه به بررسی نگارندگان محوطه باستانی ترجان متعلق به عصر مس‌سنگی، مفرغ، آهن، تاریخی و دوره اسلامی به ویژه قاجاریه است که به احتمال زیاد وجود رودخانه سیمینه‌رود، چشمه‌سارهای متعدد از جمله؛ «کانی قونگره و سپی»، کوه وستا (استاد) مصطفی به عنوان مرتفع‌ترین کوه منطقه، آب و هوای مناسب، خاک حاصل‌خیز در حضور و سکونت انسان از قدیمی‌ترین ازمه در این منطقه از ایران نقش پر رنگی داشته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. قه‌لا در زبان کُردی به معنی قلعه است.
۲. اصطلاح مَکری یا مَکریان عنوانی است که توسط مورخان و نویسندگان قرون متأخر اسلامی و سیاحان و جهانگردان خارجی

زبان مدح کوتاه/ بود عاجز ز وصف او فرزددق/ چو کرد اتمام آن فرخنده مسجد/ به سعی عاجل غیر معوق/ برای سال تاریخش خرد گفت/ جزای مجد خاتون یابد از حق/ الحجار علی رضا سال ۱۲۵۸ ه.ق.» (افخمی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۰).

۸. سنگ قبرهای مخروطی نورالنسا ۸۲ سانتی متر ارتفاع و ۴۳ سانتی متر عرض دارند. بر روی سنگ قبر اصلی عبارت «هذا، مرقد المحروم المبرو نورالنسا خانم زوجه قوج بیگ مرحوم با تاریخ فوت ۱۲۶۲ یا ۱۲۷۲» نوشته شده است. طول قبر ۱/۳۸ سانتی متر است که نشان از کوتاه قد بودن خانم نورالنسا دارد.

۹. متن سند با این مضمون است: «الحمد لله رب العالمین الصلوه والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین/ اما بعد باعث تحریر این چند کلمه آنکه بر ناظران و قضاة و علما و حاکم عصر عادل مخفی و پوشیده نماند که در این وقت بتاریخ ذیل این کمینه مذنبه نورنسا خانم بنت مرحوم مؤمن بیگ تمامی ششدانگ قریه قازلی و سه سه دانگ از ششدانگ قرینین قافل آباد و شیلان آباد و تمامی آسیابی مشهور به آسیاب خاتوته و تمامی آسیاب قافل-آباد که مجموع اینها کلاً ملک زر خرید کمینه است، در حالت صحت بدن و طلوع و رغبت وقف مسجد جامع قریه تورجان که بانی این نیز کمینه بوده و می باشد و مدرس و فقها و مسجد مزبوره نمودم که هر ساله نصف املاکات و آسیاب های مزبوری وقف مسجد مذکوره و از آن نصف باقی وقف مدرس و فقها که مدرس یکحصه و فقها یکحصه و خانه که حالا مسکن ملاعلی است وقف مدرس و باغچه مسجد مزبوره وقف فقها. بهره املاکات مزبوره که در فوق قلمداد شده بدون کم و کسر صرف مسجد و مدرس و فقها شود و خانه نشیمن مدرس و باغچه فقها چنانچه مرقوم است نیز از دهات احدی در هیچکدام دخل و تصرف ننماید که وقف شرعی است/ فی شهر جمادی الاخر مبارکباد ۱۲۶۷».

۱۰. از مهمترین این افراد عباس بن زین العابدین جوانشیری مشهور به ملاعبدالله داغستانی مؤلف کتاب نسخه خطی «فوائد فرخیه در فوائد نخویه» بود (حسن زاده، ۱۳۹۶، ص ۷۲-۷۳).

سپاسگزاری: در پایان از دوستان گرانقدر، آقایان زاهد کریمی، شیرکو عبدالله پور، لقمان مام کریمی، خالد عزیزی و منصور محمود نژاد، به سبب مساعدت و همراهیشان در بخش میدانی و قرار دادن اطلاعاتی در ارتباط با موضوع مورد مطالعه و مردم روستای ترجان صمیمانه سپاسگزاری می شود.

به مناطق جنوب دریاچه ارومیه اطلاق شده است (بدلیسی، ۱۸۶۰؛ روحانی، ۱۳۸۲؛ دمورگان، ۱۳۳۹؛ نیکیتین، ۱۳۶۶؛ Ker : Bishop, 1891; H.C.Rawlinson, 1840 Porter, 1822). به طور کلی جغرافیا مکریان شامل جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی و بخش محدودی از استان گردستان، شامل شهرهای مهاباد، بوکان، آشنویه، پیرانشهر، نقده، میاندوآب، شاهین دژ، تکاب و قسمت کوچکی از سقز به مرکزیت مهاباد (ساوجبلاغ سابق) است (روژیانی، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

۳. مهاباد که در گذشته «ساوجبلاغ مکری» و به زبان مردم بومی «سابلاغ» نامیده می شد، در سال ۱۳۱۶ ش. همزمان با تعویض نام بسیاری از شهرهای ایران به «مهاباد» تغییر نام داد (نوحه خوان، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸). پیشنهان این اسم در سال ۱۳۱۵ ش. بوسیله رشید یاسمی - استاد دانشگاه تهران- صورت گرفت (صمدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۰).

۴. متأسفانه همانند اکثر عمارات دوره قاجاریه از جمله قلعه سردار بوکان، اسکی بغداد، سوناسو غیره در حال حاضر اثری از عمارت ترجان نیز باقی نمانده است.

۵. با توجه به سنگ قبر قوج بیگ در قبرستان کنونی روستای ترجان قوج بیگ پسر احمد بیگ، احمد بیگ پسر محمد طاهربگ، محمد طاهربگ پسر فتعلی بیگ، فتعلی بیگ پسر عبدالله بیگ، عبدالله بیگ پسر بوداق سلطان مؤسس شهر ساوجبلاغ بوده است.

۶. ساوجبلاغ ترکیبی از دو کلمه ترکی سووغ (چشمه) و بلاغ (سرد) است و اکثر نویسندگان به لفظ ظاهری این جای نام بسنده و از ارائه مطالب بیش تر در این مورد خودداری کرده اند (کسروی، ۱۳۵۲، ص ۲۳۴؛ دمورگان، ۱۳۳۹، ص ۱۵). در اواسط عصر قاجاریه به خاطر اینکه در مکاتبات رسمی، ساوجبلاغ جنوب دریاچه ارومیه با ساوجبلاغ کنونی استان البرز اشتباه گرفته نشود، کلمه مکری را به آخر آن افزودند (صمدی، ۱۳۹۶، ص ۳).

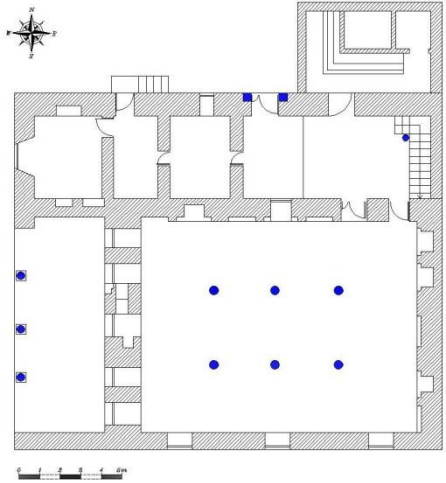

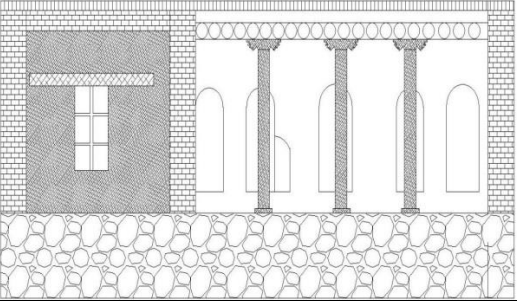

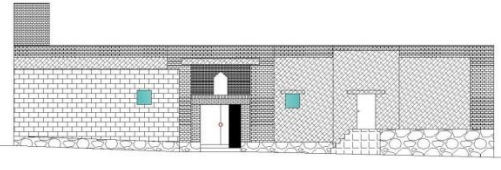

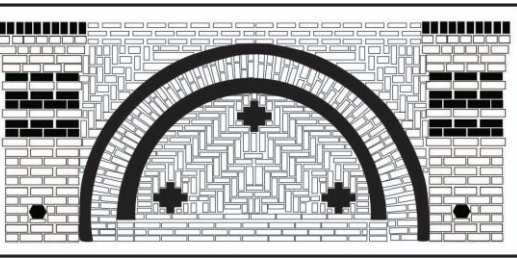
۷. این کتیبه در ابتدا بر روی درب ورودی ضلع شمالی نصب شده بود اما بعدها آن را از جای اصلی خود برداشته و با توقیف آن مدتی هم در پاسگاه نظامی روستای ترجان بود. مضمون کتیبه چنین است: «به توفیق جناب حی مطلق/ ز فیض خالق نه طاق ازرق/ پی طاعت یکی مسجد بنا کرد/ که مثل او نباشد هیچ جوسق/ شده (نورالنسا) خانم علم زان/ که نور نوع نسوان است رونق/ یکی بانوی با فر و سعادت/ که هست از بانوان عصر البیق/ بود اندر حریم قوج بیگ او/ مهین بانوی شیرین کار الحق/ بود هر دم شریعت را موافق/ همه شغلش طریقت را محقق/ بود در عقل چون سته زبیده/ بود چون رابعه در این موفق/ بدل در کار یزدان سعی کرده/ بجان در بحر احسان رانده زورق/ ز تعریفش

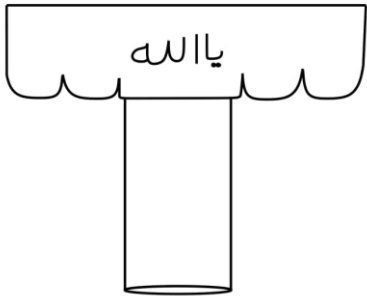

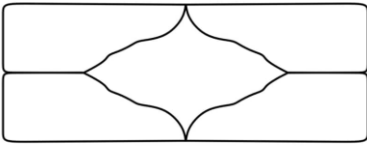

منابع:

۱. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان، گزارش ثبتی آثار، سنندج، ۱۳۸۱.
۲. افخمی، ابراهیم (۱۳۷۳). «تاریخ فرهنگ و ادب مَکریان (مهاباد و سردشت و اشنویه)». سقز، انتشارات محمدی، چ اول.
۳. _____ (۱۳۶۴): «تاریخ فرهنگ و ادب مَکریان (بوکان)». سقز: انتشارات محمدی، چ اول.
۴. احمدی، عباسعلی، شاطری، میترا و رحیمی، کاوه (۱۳۹۴- الف)، «بررسی محتوا و تزئینات کتیبه حمام خان سنندج و مسجد روستای ترجان»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، صص ۱۲-۱.
۵. _____ (۱۳۹۴- ب)، «بازنمود معماری ایرانی - اسلامی در مساجد دوره قاجار شهر سقز (مطالعه موردی مساجد دومنار، شیخ مظهر و مسجد ترجان)»، سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، صص ۱۳-۱.
۶. بابا مردوخ، روحانی (۱۳۹۰)، «تاریخ مشاهیر کرد (عرفا، علما، ادبا، شعرا)» به کوشش ماجد مردوخ روحانی، تهران، انتشارات سروش. ج اول، چ سوم.
۷. _____ (۱۳۸۲)، «تاریخ مشاهیر کرد (أمرا و خاندانها)»، به کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی، انتشارات سروش، تهران، ج سوم، چ دوم.
۸. بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین (۱۸۶۰)، «شرفنامه»، به کوشش محمد علی عونی، انتشارات فرج الله ذکی الکردي، مصر.
۹. ترجانی‌زاده، احمد (۱۳۳۵)، «دارالعلم ترجان»، سالنامه فرهنگ مهاباد، انتشارات شفق، تبریز، ج دوم، چ اول.
۱۰. حسن‌زاده، شهرام (۱۳۹۶)، «معرفی نسخه خطی فوائد فرخیه در قواعد نحویه نوشته ملاعبدالله جوانشیری مشهور داغستانی»، فصلنامه اسناد و نسخه‌های خطی مناطق گردنشین کشکول، سال دوم، شماره ۳، پیاپی ۷.
۱۱. خادم‌زاده، محمد حسن، معماریان، غلامحسین و صلواتی، کامیار (۱۳۹۶)، «گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران»، دو فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۱، صص ۱۰۳-۱۲۴.
۱۲. دمورگان، ژاک (۱۳۳۹)، «جغرافیا غرب ایران»، ترجمه کاظم ودیع، انتشارات شفق تبریز، تبریز. ج دوم.
۱۳. روژ بیانی، محمد جمیل (۱۳۸۱)، «فرمانروایان مَکریان در گُردستان»، ترجمه شهباز محسنی، نشر آنا، تهران.
۱۴. رزم آرا، عباس علی (۱۳۳۰)، «فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها) استان ۳ و ۴ آذربایجان»، انتشارات دایره جغرافیایی ارتش، جلد ۴.

۱۵. زارع فر، فاتح (۱۳۹۷)، «بررسی الگوهای استقرار و نوسانات جمعیتی حوضه سیمینه رود شهرستان بوکان»، رساله کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان شناسی، منتشر نشده.
۱۶. سالنامه آماری استان کردستان (۱۳۹۴)، «سرزمین و آب و هوا»، مرکز آمار ایران، ص ۳۸.
۱۷. سلیمی، اسماعیل (۱۳۹۶)، «روند شکل یابی و توسعه شهر مهاباد با اتکاء بر داده های باستان شناسانه»، رساله کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان شناسی، منتشر نشده.
۱۸. شافعی، جلال الدین (۱۳۷۸)، «جغرافیا تاریخی کردستان»، انتشارات ن و القلم، تهران.
۱۹. شیخ السلام، محمدامین (هیمن)، (۱۹۷۴)، «تاریک و روون»، چاپی نوی.
۲۰. صمدی، سید محمد (۱۳۷۳)، «نگاهی به تاریخ مهاباد»، نشر رهرو، مهاباد، چاپ اول.
۲۱. _____ (۱۳۹۶)، «نیم نگاهی تازه به گذشتهی مهاباد (فرمانداران)»، منتشر نشده.
۲۲. کیانی، محمد یوسف (۱۳۹۰)، «معماری ایران دوره اسلامی»، انتشارات سمت، تهران، چ نهم.
۲۳. _____ (۱۳۷۴)، «پایتخت های ایران»، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۲۴. کسروی، احمد (۱۳۵۲)، «کاروند کسروی (مجموعه ۷۸ رساله و گفتار از احمد کسروی)»، به کوشش یحیی ذکاء، شرکت سهامی کتاب های جیبی با همکاری انتشارات فرانکلین،
۲۵. گفتگوی شخصی نگارنده با ماموستا عزیز قادری مدرس مسجد ترجان در دهه هفتاد، در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۲، شهر بوکان.
۲۶. مینورسکی، فلاذیمر (۲۰۰۷). *بنچینه کانی کورد و چهند و تاریکی کوردناسی*. سلیمانیه، وهرگیرانی نه جاتی عه بدوللا، بلاو کراوهی مه کتبی بیر و هوشیاری، ص ۹۳.
۲۷. _____ (۲۰۰۶)، «مینورسکی و کورد»، وهرگیرانی نه نوهری سولتانی، چاپخانه وه زاره تی پهروه رده، چاپی دووه م.
۲۸. نیکیتین، واسیلی (۱۳۶۶)، «گرد و کردستان»، ترجمه محمد قاضی، انتشارات نیلوفر، تهران.
۲۹. نوحه خوان، حامد (۱۳۹۱)، «معیارهای تقسیمات کشوری در دوره پهلوی»، خرد نامه، سال چهارم، شماره ۹.
۳۰. نصیری انصاری، محمود (۱۳۵۰)، «سیری در معماری ایران»، انتشارات هنر سرای عالی، تهران.
31. Bishop. Isabella (1891), *“Journeys in Persia and Kurdistan”*, Vol. II. London.
32. Ker Porter, S. R, (1822), “Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia”, Vol. I, London.
33. Rawlinson. H.C, (1840) *“Notes on Journey from Tabriz, through Persian Kurdistan, to the Ruins of Takhti- Soleiman, and fram Thence by Zenjan and Tarom, to Gilan, in October and November”*, 1838; With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana”, Journal of the Royal Geographical Society of London, Vol. 10. Pp 1- 64.
34. www. Harvard Edu.

جدول ۱: مشخصات و عناصر معماری مسجد روستای ترجان سقز (منبع؛ نگارندگان).

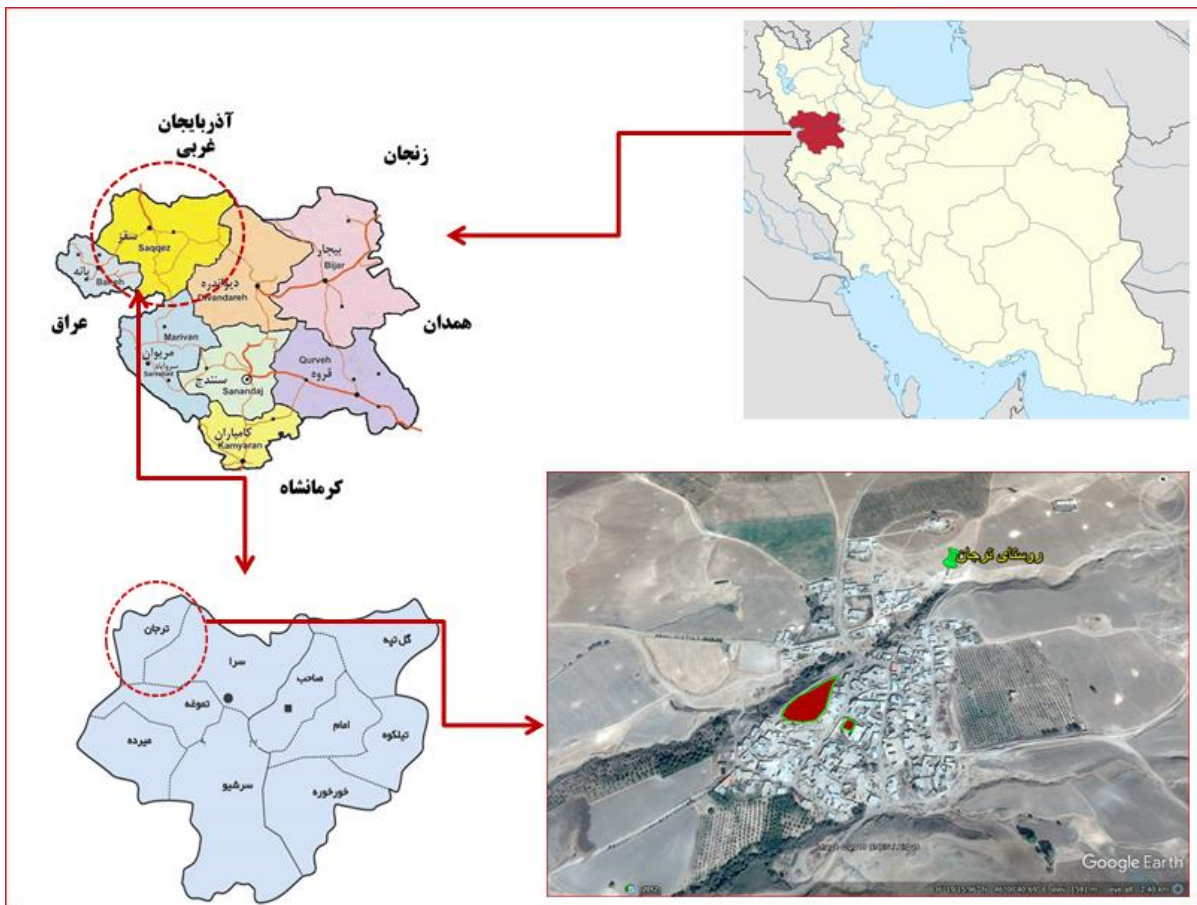
ردیف	عنوان	تصویر	طرح
۱	پلان بنا		
۲	نمای جنوبی		
۳	نمای غربی		
۴	درب ورودی اصلی در ضلع شمالی		

		<p>۵</p> <p>سرست ون ایونی فضای شبستان</p>
		<p>۶</p> <p>ترئینات آجرکار ی کنار کتیبه سنگی</p>

جدول ۲: مطالعه تطبیقی مسجد ترجان با بناهای مشابه عصر قاجاریه در کردستان (منبع؛ نگارندگان).

بنای مورد مقایسه	مسجد ترجان	ساختار معماری	ردیف
		<p>۱</p> <p>ایوان ستون دار مسجد سویناس مههاباد</p>	
		<p>۲</p> <p>پلان مسجد سویناس</p>	

		<p>۳ سرستون ایونی شبستان مسجد سونیناس</p>	
		<p>۴ شبستان خانقاه شیخ حسام- الدین</p>	



نقشه ۱: موقعیت سیاسی و جغرافیایی روستای سقز در استان کردستان و کشور ایران (منبع؛ نگارندگان).



تصویر ۱: عکس علیخان والی از روستای ترجان و موقعیت مسجد و عمارت اربابی بر روی محوطه‌ای باستانی آن

(www. Harvard. Edu)



تصویر ۲: نمای از ضلع شمالی روستای ترجان و محوطه‌ای باستانی آن (منبع؛ نگارندگان).



تصویر ۳: چشمه‌های سپی (سفید) سمت راست و قونگره سمت چپ در روستای ترجان (منبع؛ نگارندگان).

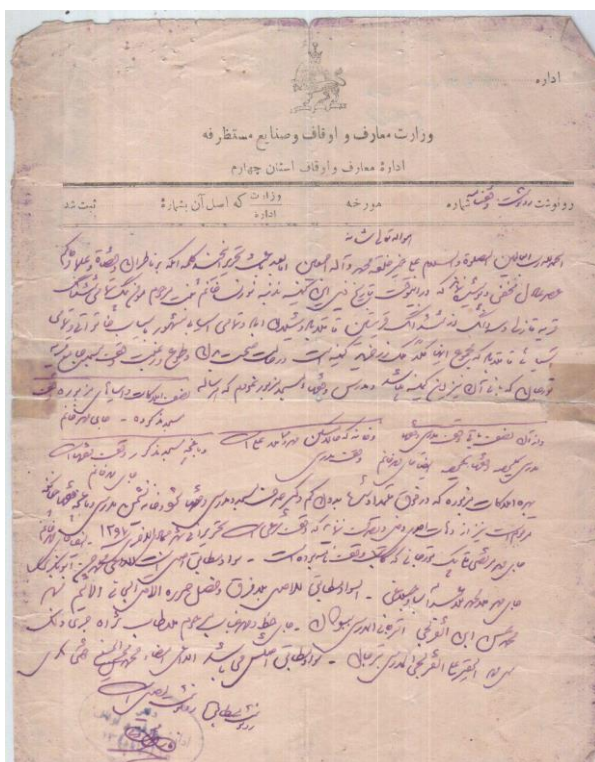


تصویر ۴: نمونه سفال‌های پیش از تاریخ، تاریخی و دوره اسلامی محوطه ترجان (زارع‌فر، ۱۳۹۷: ۷۹).



تصویر ۵: کتیبه نستعلیق مسجد

ترجان بر سردر درب ورودی کنونی (منبع؛ نگارندگان).



تصویر ۶: وقف روستاهای قازلیان، قاقلاوه، شیلاناوی توسط نورالنسا برای مسجد ترجان (منبع؛ آرشیو شخصی

شیرکو عبدالله پور، ۱۳۹۶).